



میس وان در روهه

کلر تسیمرمان

ترجمه‌ی حمید خدایناهی

نشر هنر معماری قرن، ۱۳۸۷

آنچه از مجموعه آثار، تکمیل شده و ناتمام، وان در روهه باقی مانده، از بطن آنها نظریه‌ی معماری مدرن در هیئتی ارگانیک و با وضوحی استثنایی پدید آمده است. ساخته‌هایش با دقت نظر خاصی طراحی و به طرز شفاف‌ی ضابطه‌بندی شده‌اند، که آشکارا پاسخی به چالش‌های معماری در قرن بیستم است. آنچه به ویژه در نیمه‌ی دوم فعالیت کاری‌اش تولید کرده، ناظر بر مجموعه راه‌حل‌های دقیق بررسی شده و تکامل یافته است که به دفعات قابل استفاده هستند. اگر چه کیفیت کارهایش به یک نسبت عالی است، اما بزرگ‌ترین تأثیر او در تیپ‌ها و آرکتیپ‌هایی است که آنها را در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم تکمیل کرد. ساختمان‌های میس پرتعدادند، اما شمار آثار مقلدان و بدل‌های او به چندین برابر می‌رسد. پاپویون‌های میس زینت‌بخش نقاط مهمی از شهرهای دوقاره هستند، در حالی که پیروانش در پارک‌های ادارات و محلات اعیان‌نشین در سطح وسیع‌تری پراکنده‌اند.

برای میس وان در روهه، بنای معاصر به معنی مواد مدرن و روش‌های ساخت و ساز مدرن بود که با معماری مناسب در جامعه‌ی معاصر گرد آمده بود. در اوایل دهه‌ی ۱۹۲۰، وی این ملاحظات را در یک فرمول خلاصه کرد:

هنر بنای ساختمان اراده‌ی دوران است که به شکل فضایی Spatial درک می‌شود. «زنده. در حال تغییر. و نو» لازم بود که گذشته از هر گمانه‌زنی زیبایی‌شناسانه، یک ایده‌ی اساسی از فرم ساختمان تعیین شود که یک ایده‌ی فلسفی است. ساختار، یک کل است که از صدر تا ذیل تا کوچک‌ترین جزئیات، یکسان است. این چیزی است که ما ساختار می‌نامیم. ساختار میس همواره ساختاری مفهومی است، که به روش‌های گوناگون می‌توان آن را به شکل یک بنا محقق کرد.

میس سال ۱۹۲۶ را پراهمیت‌ترین سال زندگی‌اش می‌خواند. چرا که در این سال دست به ابداعات جدیدی در مورد به کارگیری فضا زد، در حالی که از موضع ماتریالیستی اوایل دهه‌ی ۱۹۲۰ خود عدول کرده بود و هر چه بیشتر به تفکری ایده‌آلیستی نزدیک می‌شد که گریزی جز بازگشت به طرح پرسش‌هایی در مورد فرم و زیبایی‌شناسی نداشت. او با اتاقک شیشه‌ای مشهور خود در نمایشگاه مواد در مرکز اشتوتگارت، سیستم طراحی جدیدی را کشف کرد که برای کارهای آینده‌اش اهمیت زیادی داشت. این کشف جدید یک سیستم ترکیب عناصر بود که یک نقشه‌ی مسطحه‌ی باز را با گذاری سیال بین فضاها و با حسی از رهبری هماهنگ فضایی تولید می‌کرد.

دغدغه‌ی میس نسبت به فضا به عنوان یک ماده اولیه‌ی معماری، پاسخی بود به نیاز نظریه‌پردازان که به اوایل قرن ۱۹ برمی‌گردد: این دغدغه مرحله‌ی واپسین تحقق یکی از فراگیرترین نیازها در معماری قرن بیستم به شمار می‌رود.

میس تا سال ۱۹۳۸ در آلمان ماند، اما سپس به آمریکا رفت. اما تغییر وضعیت زندگی او در آمریکا، همان قدر که با چالش‌های کاملاً متفاوتی در عرصه‌ی معماری رو به رو بود، ارتباط قابل توجه آثار متأخر با آثار متقدم او بیشتر آشکار می‌شد. به‌خصوص راه‌حل‌های نوعی - آرکتیپ‌ها - که در این زمان نسبت به تکمیل آنها اقدام کرد باعث شد به جست و جویش برای یافتن زبان جدید فرم معمارانه ادامه دهد و مساهمت‌های خود را به گفتار عام روشنفکری آلمان به یاد آورد. این پروژه‌های متأخر، یادآور اولین جمله‌های میس درباره‌ی کیفیات اساسی معماری مدرن بوده و تحقق وعده‌هایی هستند که در دهه‌ی ۱۹۲۰ داده بود.

خانه ریل، بنای یادبود بیسمارک، ویلای کرولر - مولر، پنج پروژه، نمایشگاه ماوا، خانه‌های لانگه و استر، پاپویون بارسلونا، آپارتمان‌های کمربند ساحلی لیک شُر، کراون هال، ساختمان سیگرم، پارک لافایت، گالری ملی مدرن، مرکز تورتوتو دمینیون، میدان منشن هاوس و برج اداری، زندگی و آثار، کتابشناسی و نقشه بخش‌های کتاب را شکل داده‌اند.